

است. با توجه به نکات مهم قطعنامه، همچنین شیوه واکنش مسئولان تانکون، چند نکته می‌باید مورد توجه قرار گیرد:

آیا قطعنامه علیه ایران موضوع جدیدی است؟

واقعیت این است که اینکه پارلمان اروپا هر ساله تعدادی از این مصوبه‌ها و قطعنامه‌ها را درباره کشورهای مختلف صادر و تصویب می‌کند. درباره ایران، از سال ۲۰۰۹ تاکنون، مشخصاً ۷ قطعنامه در اکتبر ۲۰۰۹، فوریه و سپتامبر ۲۰۱۰، ژانویه، مارس و نوامبر ۲۰۱۱، و ژوئن ۲۰۱۲ صادر شده که تماماً درباره حقوق بشر هستند. مصوبه فعلی همچون قطعنامه فوریه ۲۰۱۲ پارلمان که صرفاً مربوط به موضوع هسته‌ای بود، مختص حقوق بشر نیست، اما به تمامی موضوعات مهم میان ایران و اروپا پرداخته است. از دیگر قطعنامه‌های جدید پارلمان، می‌توان به قطعنامه در محکومیت برخورد با معترضان بحرینی و همچنین اعتراض به شیوه‌های پلیسی و امنیتی فعلی در مصر یاد کرد.

آیا اصلاً پارلمان اروپا مهم است؟ وزن سیاسی آن به چه اندازه است؟

هم مهم است و هم مهم نیست. می‌شود در کوتاه مدت به دلیل اختیارات کم این نهاد در اتحادیه اروپا و لازم الاجرا نبودن مصوباتش، به قطعنامه‌های پارلمان اروپا بی توجه بود. با این حال باید توجه داشت از آن جا که اصطلاحاً سیاست خارجی اروپا سیاست خارجه‌ای هنجاری است، برای برقراری روابط با ثبات با اروپا در طولانی مدت، پارلمان اروپا نقش جدی تری خواهد داشت. پس از اصلاحات اساسی سال ۲۰۰۹ در اتحادیه اروپا که با عنوان پیمان لیسبون شناخته می‌شود، پارلمان اروپا توانایی‌های جدیدی در سیاست خارجی به دست آورد. علاوه بر توانایی‌های آن بر روی [تخصیص] بودجه اتحادیه اروپا، ازجمله تخصیص بودجه سیاست خارجی (که قبل از سال ۲۰۰۹ در اختیار داشت)، هم اکنون می‌تواند نسبت به توافقنامه‌های بین‌المللی با کشورهای دیگر که به نام اتحادیه اروپا تمام می‌شود،

بدون هیچ قدرت اجرایی تصویب شده بود آن هم با این ادبیات ده تا به نعل و یکی به میخ! پورمحمدی وزیر دادگستری که سابقه حضور در دولت پیشین را هم در کارنامه خود دارد در این رابطه گفت: «پارلمان اروپا از نظر اهل سیاست و نظر، حتی در خود اروپا جایگاه بالایی نداشته و صرفاً جایگاهی توصیه‌ای و راهنمایی دارد و به اصطلاح محلی از اعراب ندارد و منزلت آن از پارلمان‌های محلی پایین‌تر است؛ پارلمان اروپا بیانیه‌ای ۲۰ ماده‌ای داده است و در آن بحث حقوق بشر، اعدام‌ها، گرایش‌های دینی، آزادسازی زندانیان، حقوق زنان و همجنس‌بازان را مطرح کرده اند که مسائل تازه‌ای نیست. از طرفی در چندین بند از این بیانیه به اقتدار و نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی و به تأثیرگذاری در منطقه، خاورمیانه و کشورهای مختلف اشاره شده است که اعتراف آنان به قدرت تأثیرگذاری ایران است» وی همچنین افزود: «ظرف ۳ سال و نیم گذشته از سوی پارلمان اروپا ۶۰ بیانیه و قطعنامه علیه کشورمان صادر شده است که بسیاری از آن‌ها تندتر از بیانیه اخیر است. چطور این ۶۰ بیانیه در کمتر از ۴ سال تاکنون کسی را حساس نکرده و سبب موضع گیری نشده است اما درباره بیانیه اخیر عده‌ای این‌طور القا می‌کنند که مسئولین ضعف نشان داده اند؟»

با تأکید بر صحت استدلال هر ۲ گروه از منتقدان، نگاه واقع بینانه به قطعنامه اخیر پارلمان اروپا فارغ از جهت گیری‌های سیاسی داخلی و مقایسه آن با قطعنامه‌های قبلی همین پارلمان می‌تواند تأثیر عمکرد دستگاه دیپلماسی کشورمان بر رفتار نهادهای اروپایی بررسی کرد.

قطعنامه مورد بحث، قطعنامه‌ای ۴۲ بندی است که همانند سایر قطعنامه‌های معمول، از ۲ بخش توصیفی (۱۹ بند) و اجرایی (۲۳ بند) تشکیل شده است. قطعنامه غیر از بخش توصیفی و بندهای مقدماتی، دارای ۴ بخش عمده، شامل موضوع هسته‌ای، چشم‌انداز روابط ایران و اتحادیه اروپا، موضوعات منطقه‌ای و بحث حقوق بشر

واکنش‌های منفی بسیاری را هم در سطوح عالی نظام و هم در رسانه‌های جمعی کشور برانگیزد. البته این انتقادات تنها به جریان‌های سیاسی منتقد دولت محدود نماند. حتی محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان نیز جایگاه حقوقی پارلمان اروپا [برای اظهار نظر در این باره] را زیر سؤال برد و تصریح کرد که پارلمان اروپا در جایگاه سیاسی و اخلاقی‌ای نیست که «دیگران را موعظه کند». علی لاریجانی رئیس مجلس نیز در واکنش به برخی ادعاهای حقوق بشری که در بیانیه پارلمان اروپا به آن اشاره شده بود، اروپا را شایسته اظهار نظر در این موارد ندانست و گفت: «صد بار اگر بیانیه بدهید که همجنس‌بازان نتوانند آزادانه ازدواج کنند، جز تنفر در ملت ایران نسبت به فرهنگ غرب چیزی برای خود دست و پا نمی‌کنید. این یک علو فکری نیست که خرافات شیطان‌پرستی و ادیان ساختگی را مورد حمایت قرار می‌دهید». با این حال برخی هم این قطعنامه را دستمایه حمله به عملکرد دستگاه دیپلماسی دولت قرار داده و اقدام پارلمان اروپا را پاسخی به دیپلماسی لبخند دولت یازدهم تفسیر کردند. از سوی دیگر، دیدگاه دیگری نیز به موازات این نگاه منتقدانه - هرچند کم‌رنگ‌تر - در کشور مطرح شد که خواستار اهمیت ندادن به این قطعنامه، عادی نمایش دادن آن و کنترل واکنش‌ها بود. تأکید بر نمایشی و غیر الزام آور بودن مصوبه‌های پارلمان اروپا و همچنین منفک و مستقل بودن نهادهای اروپایی، استدلال این گروه از منتقدان بود. به عنوان نمونه پایگاه اینترنتی بهار نزدیک به جریان اصلاح طلب نوشت: «قطعنامه پارلمان اروپا، هیاهو برای هیچ؛ برای آن‌ها که خبرها را دنبال می‌کنند، موضوع تازه‌ای نیست، پارلمان اروپا هر چند وقت یک بار از این کارها می‌کند و از این بیانیه‌ها منتشر می‌کند. در واقع مهم‌ترین مسئولان اجرایی کشور در مقاطعی قطع نامه‌هایی خیلی مهم‌تر و جدی‌تر از این‌ها را هم بی اهمیت شمرده بودند، چه برسد به این یکی که از طرف یک نهاد مدنی و